

مسکن ابردارید

۱۰۷

لارنکاری که تجویز و معمول است
است من حکم خود را در این صلاح
آن دست مورخ شد و در آن مذکور شد
که این حکم در ۲۰ آگوست می‌گیرد
نهایت محدود است و می‌گذرد
نهایت محدود است و می‌گذرد

وچشی در ۲۷ دی ۱۳۸۴
تکلیف این کنکور مانندی خود را
برخواهید
آنچه موصوف در این متن مذکور است
که عرض این نظریه تا حد ممکن انتشار
بسته سلاح اموال احمدی و عروق
مردم کشور میگیرد و میتواند آنکه
نهاد این رشته با همان اهدافی در
جهت مدد و پایان داده و بطریق
نهادی خود آنکه مبنای
آن حسب و موجب وسیع و صار
که در این هفتاد مرداد این نظریه
مبنای این مکالمه که از طرف احمدی
آموزش و پرورش ایران از آن دستگیری در
نهادی که هم مردم ایران بهداشت
و دریغ شناسی ممکن است از این اهداف
نماید که درینجا اینجا مدد
نهاد و من میگذرد هر چنان که درین
حوزه فهم اگرچه پایان
آنچه از این نظریه معرفه شده است
آنکه متن ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵

در خط آتش
نه لر لر لر
هر چنانچه یکی از هنگاتها میدهد
کسوندی خدا آش نگوش مردهان
مردهان یا لر لر لر لر لر لر لر لر
محت سکرده و زاره کفر مخلل زبانی
خواهی خواهی مسوبه
خواهی خواهی این این این این این این
محت محت خود خود خود خود خود خود
ای لر
گرمان گرمان گرمان گرمان

فایشیستها از کرچر آنده شده اند
جبلک در استگاه حارکف. تلفات هوق العاده فایشیستها
بیشتر از پیش بیش از ۷۰٪ بین مردم

گاه باشگاههای هوانیمهای کشوری	در گذشتگان
۱۴۷۲۳۵۸۱۱۰۰۰۰۰۰۰	در مسود
است	از این سکه
بیانات اخلاقی صفت همانوی	نامه هلاپر
فراز روحانیت میرزا و میر	ادم‌نمای
المراد اکثر کارهای دریا راه پیش مذکور	برادران
و هدف شنگنه هوانیمهای کشوری	برادران
کوشش و گذشتگان ملی و ملی	کرد که و
کردند که شنگنه کنم	پیش گزین
موسوعه هوانیمهای اول و دوم و هوانیمهای	هدومندی
در پیش از اخراج اهل همانیمهای اول	گذشتگان
مکمل و اعتصاب آنها را در آن روزه بست	هدومندی
و در شنگنه که کوشی از رسان اخراج	ساده و مسخر
شروع شده است این شنگنه هوانیمهای اول و دوم	رسان
لر شدن و داشتن وحدات بیونی و امور	شروع
بلند گشی و از سه سر مورد توجه	مالی مسکن
و مسازی شنگنه هوانیمهای کشوری	الا از این طبق
صافت هوانیمهای موضعی خاص دارد	روزه اندام
و فر هوانیمهای در نهاده کشوری نوشت	دوستی
باشد	کسری
در این اسناد	هر اسناد
بر این پایه همانیمهای این صفات خواهند	در مصروف از
بر این پایه همانیمهای این صفات خواهند	که از این
و از شنگنه همانیمهای این صفات خواهند	مقداری
شناشان و پذیرای همانیمهای این صفات خواهند	و جمل از است
جایگزین معموس شنگنه است که درین	آن آرزوی شد
در این شنگنه همانیمهای این صفات خواهند	مقداری شفوقی
بر این شنگنه همانیمهای این صفات خواهند	و این طبق
جایگزین معموس شنگنه است که درین	شروع
در این شنگنه همانیمهای این صفات خواهند	در مصروف از
جایگزین معموس شنگنه است که درین	که از این
در این شنگنه همانیمهای این صفات خواهند	مقداری
جایگزین معموس شنگنه است که درین	و جمل از است
جایگزین معموس شنگنه است که درین	آن آرزوی شد
در این شنگنه همانیمهای این صفات خواهند	مقداری شفوقی
جایگزین معموس شنگنه است که درین	و این طبق

تیمت
و کنکاری گاه مدعی نمود
فرانسه و ایالات متحده
نمود و آنست طبقی را
من در عین حال آنچه هم
آغاز شد ۱۹۴۱ میلادی
مشغولیت از مطلع
موقوف کرد را گرفته بود
نهان کرد که مدعی نمود

و امکن بوده
 اهدافی درست هدایت
 آنرا در راه شخصی
 که
 افراد ارش سرچ
 مان سرطان از اولی
 مجهیز نزدیکی غیر از این
 همروز سرطانی است
 نایاب نباشد ملهم
 این هرگز نیست زیر
 یعنی خود را (وای) خود
 اگر خواه دید و باش
 رفته آمر است لیکن

۲۰

وظیفه مردم چیست

شدن است که مطوفت هر شکور بوده که این کشور نداشت
لشکر و ارتعاش میگذاشت و از هر گیره و هر گونه اصلاح و - گزینی که
لشکر داشت درست باشید از شکلات خواری با این راه میگذاشت و ممکن است
مطوفت این وظایف انسانی خود را درین سه منش آتشی آورد و راهکارهای اگرچه در
حول داشت اما اینها خود را درین سه این راه از این راه میگذاشت و ممکن است
نمیتواند موضعی داشته باشد که این راه را به حسنه کنند آنکه اینها
نمایه داشته باشند که این راه و دنی اوضاع پاک اینهاست و درین راه
و مسؤول موضعی خود را داشت همچنان که بودت که ملوان و اذکار و اذایران و
دو گزینی خود را این اشناز و گذار و گزین و گزین آن سه اصلاح و
معنوی ملک داشت بلکه خوش انسانی را از این اشناز است که بوده و میگذرد که
اعراض اخلاقی و انسانی همیزی و محب و محن نباشد و درین راه نسبت تکالیف و
خود را بخوبی بررسی و - ولا اگر هر مردم دارای نعمت و درین اخلاقی و انسانی
نمایند از این هر گزین دوست صبور و همراه اینهاست که بکمال و طلاق اینها
مقدار دلیل نمایند و سواده داشته باشند لذتی درین این دوست از این نعمت افراد و
ووه انتها و بر گزینه داشته باشند و خوش اینست همگزین اگر بوده و میگذرد
و معاشر نهاده مطافع میگذرد اینهاست آنها نهاده خیل سعادت خودی همیزی
خود را بخوبی بررسی و - اینکه سواده میگذرد معمول خود را میگذرد
و ملشم که پیک دشکنگ و دروسی است از دست یکمکن و دودو گزینی که
سلطخ و دو ایشکار آن سیف هست و رویه دیگان ایشکار و دودو گزینی که
پواهن آدم نهاده اینها میگزین اینهاست مصلحت و درین راهی همیزی
درین با آدمهای خوش ایشکار خوش ایشکار و خارج و ایشکار و ایشکار
شکور میگزیند و مامیشون خوش ایشکار که لازم است درین راهی گزینی که
آن وضعت داشت هرچه و مرچ گزینید و هر چهار گزینه که باید بر سرمه میگزیند
شکورین بزد گزین و خوش ایشکاره هر گزور است که قدر از هر چیز در این
خود و همچومن خوش بگذشند و سمعت این اخلاقی و انسانی خوش
الا از راه و چون طرفهای گذاری خاصی و معاشر و درین راهی همیزی
و انسانی است این سه طرفهای اولی این سمعت و اینهاست باید از این راهی از این راهی
و انسانی این راهی اگر کرد
اما معمای مردمی پیشتر هست بر سر و ایشکار دارد از این معمای مردمی

نیز بسیار کمیکی، این اعتصابی سنتی و خودن دیگران، حس و ریش از سده، روزی گویی، لا ایالی گردی و سوسی میشی، ایندیا گروپ و میکل و هرمه و پیشنهاد که منتهی اکثر جهانی و میتوت اخلاقی از قبل از شنیده، نزدیک اینست، شارلز دیکنز و امیرتیه میمودی، اهلی ملتی میشد، پیمان مودون میگران، شارلز دیکنز، دکتر برادری و دیگران و هرچهار طبقه انسانی را در سرچشید این معاشر بر زبان
از دوستی است او را درست هفته خواهد کی که میتوان آن درین و زمانه و خواهد بود، اینها تریت خطط انسانی کی در مدرسه و سار اینستادن
گردیده و میتول آن کلیه افراد اجتماع و دولت میباشد
مناسنه بهای افزار بوده که ایندن و تریت اخلاقی هرچیز درین امر
جهان فایل تحسین و امضاواری بست، نوشه میان میشکنی ازو روگویی
بلطف، اینشاده و مفاسد اخلاقی در سی سال اخیر کادر حفظ ملت اصلی است
و قوام اسکاتلندی روزگویی بود، دایلی بریتان موسوعه است دعوا و عرض
معنده، هر دو داشتند اینها شایسته در اینجا مذکور نمیشوند که هر دویکی
آنها اینها شایسته در اینجا مذکور نمیشوند که هر دویکی

کوچکها و خانهای هر چنین زیستگاهی میشوند، امیدی بر این است که ریاست اسلامی را کاری و شلوغ کاری
آنکه اینون و مشروبات الکلی، غذه‌های عجیب و بزی و شلوغ کاری
تجالی و هرج و مرج در جمیع سویی از جزو ایکن سازی کردند تا
ما و شتن هری وی و خارج این دنیا می‌دانیم این احوالات که مسالمه شده
از زاده هستند همکنی که ما از این اتفاقات خوبی اخلاقی نداشتیم گذشت
این از زیرت و صحیح ناید در خانه و غیره و این داشتم که میگذرد
که بده و امسوازی که هم مرده و هم دخول در این وقت می‌گذشت
اینکه حکمکار و دور و دور بسته شکن پیروزی در طرف سایرین می‌داند از این
مدن که بجهله‌ترینی بوده و ساده‌تر شد و مسوانه شد آن مومن گردید
اما این ادب اخلاقی نیز در این شرایط از این شکل نداشت و در
سیس آنها می‌گردید از این ادب می‌گفت صبح هنون پیش خود را شنیده و
و خواب داشته و افراد دیگر را زیر مقال خود دیده و همان آنرا می‌شنید
آنرا دفعه می‌شاند و برای اینکه شکایت لازمه از فعل اخراج و اخراج
آنها کنونه بشکلی داده منع و خواب و دور و دور بسته شکر می‌نمایند
هر قدر از اینها کنکری شد شکایت می‌گردید و شرایط این کشور
و صفات که کشیده کنند این شکایت را زیر اشاره می‌نمودند که این کشور
برایه و بهنه و بعد از مدت می‌گذشت که این امر می‌گردید که این ادب
می‌توان گفت ناگفون شکایت سیس صبح در ایران بوقوع این اتفاق
کشیده کنند از آنها خوش که و در این مطلب مطلع ودهانه و در دویه دو کشیده
و این که از این امر از این شرایط نموده و همچنانکه خدمتی فردا می‌گردید
و من این ادب سیس و این ادب می‌گذشت که در این مطلب مطلع بوقوع این اتفاق
پایان داشتم که وعده نمود از این مطلب مطلع بوقوع این اتفاق
رسیده و فرار بگردیده نهایت این ادبیه که بوده از زیر مکوم است
برخودی پایان یافته و آزادی هنری از لطف شکایت و این ادب
که در این دنیا از این اتفاق ایجاد شد و خود را آشنا کرد که از این ادب
می‌گذرد و در این دنیا ایجاد شد و خود را آشنا کرد که از این ادب

نمایش مردم Topaze - انتاس ع. نوشین

چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت

